

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

از جمله دعاها مشهور این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام است. بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند، که بعد از ظهر روز عرفه در صحرای عرفات خدمت آن حضرت بودیم، پس با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان، با نهایت خاکساری و خشوع، از خیمه خود بیرون آمدند، و در جانب چپ کوه ایستادند، و روی مبارک خویش را بسوی کعبه نمودند و دستها را برابر صورت برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد، و این دعا را خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَ لَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ،

خدای را سپاس که برای حکمش برگرداننده‌ای، و برای بخشش بازدارنده‌ای

وَ لَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ

و همانند ساخته‌اش ساخته هیچ سازنده‌ای نیست، و او سخاوتمند و وسعت‌بخش است، انواع مخلوقات

الْبَدَائِعِ، وَ اتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ،

را پدید آورد، و ساخته‌ها را با حکمتش محکم نمود، طلایعه‌ها بر او پوشیده نمی‌ماند،

وَ لَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، [أَتَى بِالْكِتَابِ الْجَامِعِ، وَ بِشَرِّعِ

و ودیعه‌ها نزد او ضایع نمی‌شود

الْإِسْلَامِ النُّورِ السَّاطِعِ، وَ لِلْخَلِيقَةِ صَانِعٍ، وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى

الْفَجَائِعِ]، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَ رَائِي كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمُ كُلِّ

پاداش دهنده هر سازنده، و بی‌نیاز کننده هر قناعت‌گر، و رحم‌کننده بر هر

ضَارِعٍ، مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ

نالان، و فرو فرستنده سودها، و نازل کننده کتاب جامع با نور درخشان است، او

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ ، وَلِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ ،

شنونده دعاها، و دورکننده بلاها، و بالا برنده و درجات،

وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ ، وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ ، وَلَيْسَ

و کوبنده گردنکشان است، پس معبودی جز او نیست، و چیزی با او برابری نمی کند، و چیزی

كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ؛ وَهُوَ

همانندش نیست، و اوست شنوا و بینا، و لطیف و آگاه،

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ

و بر هر چیزی تواناست. خدایا به سوی تو رغبت می نمایم، و به پروردگاری تو گواهی می دهم،

لَكَ ، مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي ، وَ [أَنَّ] إِلَيْكَ مَرَدِّي ، ابْتِدَاءً تَنِي بِنِعْمَتِكَ ،

اقرارکننده ام که تو پروردگار منی، و بازگشت من به سوی تو است، و جودم را با نعمتت آغاز کردی

قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا ، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ، ثُمَّ

پیش از آنکه موجودی قابل ذکر باشم، و مرا از خاک پدید آوردی، سپس

أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ ، آمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ

در میان صلبها جایم دادی، در حالی که از حوادث زمانه و رفت و آمد روزگار

وَالسِّنِينَ ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ ، فِي تَقَادُمٍ مِنْ

و سالها، ایمنی بخشیدی همواره کوچ کننده بودم از صلبی به رحمی، در گذشته از

الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ ، وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي ،

ایام و قرنهای پیشین، از باب رأفت

وَأُطْفِكَ لِي (بِي) ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ ، الَّذِينَ

و لطف و احسانی که به من داشتی، مرا در حکومت پیشوایان کفر، آنان که

نَقَضُوا عَهْدَكَ ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي [رَأْفَةً

پیمانت را شکستند، و پیامبرانت را تکذیب کردند، به دنیا نیوردی،

مِنْكَ وَ تَحَنُّنًا عَلَيَّ] لِذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى ، الَّذِي لَهُ

ولی زمانی به دنیا آوردی به خاطر آنچه در علمت برایم رقم خورده بود و آن عبارت بود از هدایتی که مرا برای

يَسَّرْتَنِي ، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي ، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوُّفَتَ بِي بِجَمِيلِ

پذیرفتن آن آماده ساختی، و در عرصه گاهش نشو و نمایم دادی، و پیش از آن هم

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

صُنْعِكَ، وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّيْمِنِي،

با رفتار زیباییت، و نعمتهای کاملت بر من مهر ورزیدی، در نتیجه وجودم را پدید آوردی

وَأَسْكَنتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدَنِي

از نطفه ریخته شده و در تاریکیهای سه گانه میان گوشت و خون و پوست جایم دادی، و مرا در

خَلْقِي (لَمْ تُشْهِرْنِي بِخَلْقِي)، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ

آفرینش وجودم گواه نگرفتی، و چیزی از کار خلقتم را به من واگذار نمودی، سپس

أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَىٰ إِلَى الدُّنْيَا، تَامًّا سَوِيًّا،

برای آنچه در علمت از هدایتیم گذشته بود مرا کامل میانه به دنیا آوردی،

وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا

و در حال کودکی و خردسالی در میان گهواره محافظت نمودی، و از بین غذاها

مَرِيًّا، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ

شیر گوارا نصیبم کردی، و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی، و مادران

الرَّوْحِمِ، وَكَأَلْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ

پر مهر را به پرستاری ام گماشتی، و از آسیبهای پریان نگهداری فرمودی، و از زیادی و کمی

وَالنَّقْصَانِ؛ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّىٰ إِذَا اسْتَهْلَكْتُ

سالمم داشتی، پس تو برتری ای مهربان، ای بخشنده، تا آنگاه که آغاز

نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَتَمَّتْ عَلَيَّ سَوَابِغُ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي

به سخن کردم، نعمتهای کاملت را بر من تمام کردی، و مرا در هر سال با افزوده شدن به

كُلِّ عَامٍ، حَتَّىٰ إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي

وجودم پرورش دادی، تا آفرینشم کامل شد، و تاب و توانم معتدل گشت،

(سَرِيرَتِي)، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ، بِأَنْ أَهْمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ،

حجّتت را بر من واجب نمودی، چنان که معرفتت را به من الهام فرمودی

وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ (فِطْرَتِكَ)، وَأَيَقِظْتَنِي لِمَا

و با شگفتیهای حکمتت (فطرتت)، به هر اسم افکندی، و به آنچه

ذَرَأَتْ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ، مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَهْتَنِي

در آسمان و زمینت از پدیده‌های خلقت پدید آوردی بیدار نمودی، به سپاسگزاری و یادت آگاهی ام دادی،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

لشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ،

و طاعت و عبادتت را بر من واجب نمودی،

وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ،

و آنچه را پیامبرانت آوردند به من فهماندی، و پذیرفتن خشنودیات را بر من آسان کردی،

وَمَنْدَتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي

و در تمام این امور به یاری و لطفت بر من منت نهادی، سپس وقتی که مرا

مِنْ خَيْرِ (حُرِّ) الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً (بِنِعْمَةٍ) دُونَ

از بهترین خاک آفریدی، برایم نپسندیدی ای معبود من نعمتی را بدون نعمتی دیگر،

أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيشِ، بِمَنِّكَ

و از انواع و وسایل زندگی، و اقسام بهره‌ها نصیب من فرمودی، و این بخاطر نعمت بخشی

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَمَمْتَ

بزرگ و بزرگتر و احسان دیرینهات بر من بود، تا جایی که همه نعمتها را

عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي

بر من کامل نمودی، و تمام بلاها را از من بازگرداندی، نادانی و گستاخی ام بر تو، بازت نداشت.

وَجُرَاتِي عَلَيْكَ، أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى (عَلَى) مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ،

از این که مرا به آنچه به تو نزدیک می‌کند راهنمایی کردی، و به آنچه مرا به پیشگاهت مقرب می‌نماید

وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ

توفیق دادی، پس اگر بخوانمت، اجابت منم، و اگر از تو درخواست نمایم،

أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ

عطا می‌کنی، و اگر اطاعتت کنم و اگر به شکر تو برخیزم بر

ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ؛ فَسُبْحَانَكَ

نعمتم بیفزایی، همه اینها کامل کردن نعمتهایت بر من و احسانت به سوی من است، پس منزهی تو،

سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ، حَمِيدٍ مَجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ

منزهی تو، که آفریننده‌ای، و بازگرداننده‌ای، و ستوده‌ای و بزرگواری، نامهایت

أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ أَلْوَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي، أَحْصَى عَدْدًا

مقدس است، و نعمتهایت بزرگ، خدایا کدامیک از نعمتهایت را به شماره آورم

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

وَذِكْرًا؟ أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقَوْمٌ بِهَا شُكْرًا؟ وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ

و یاد کنم، یا برای کدامیک از عطاهایت به سپاسگزاری بر خیزم در حالی که پروردگارا، بیش از آن

أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفَتْ

است که شماره‌گران بر شمارند، یا اینکه یاد دارندگان در دانش به

وَدَرَاتٍ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ، أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنْ

آنها برسند، نگاه ای خدا، آنچه از بدحالی و پریشانی از من بازگرداندی و دور کردی، از آنچه از

الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا (فَأَنَا) أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيْقَةِ إِيمَانِي، وَعَقْدِ

سلامتی کامل و خوشحالی برایم نمایان شد، بیشتر است، معبودا، من گواهی می‌دهم به حقیقت ایمانم، و باور

عَزَمَاتٍ يَقِينِي، وَخَالِصٍ صَرِيحٍ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنٍ مَكْنُونٍ

تصمیمات یقینم، و یکتاپرستی بی‌شائبه صریحم و درون پوشیده نهادم،

ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نَوْرِ بَصْرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ

و آویزه‌های راههای نور چشمم، و چینه‌های صفحه

جَبِينِي، وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي (نَفْسِي)، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ

پیشانی‌ام، و روزنه‌های راههای نفسم، و پره‌های نرمه تیغه

عِرْنِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخٍ (صِمَاخٍ) سَمْعِي، وَمَا ضُمَّتْ

بینی‌ام، و حفره‌های پرده شنوایی‌ام، و آنچه که ضمیمه

وَاطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَعْرِزِ حَنَكِ

شده و بر آن بر هم نهاده دو لبم، و حرکتهای سخن زبانه‌م، و جای فرورفتگی

نَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي،

سقف دهان و آرواره‌ام، و محل رویدن دندانهایم، و جای گوارایی خوراک و آشامیدنی‌ام،

وَجَمَالَةِ أُمَّ رَاسِي، وَبُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ (بُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ)

و بار بر مغز سرم و رسایی رگهای طولانی گردنم،

عُنُقِي، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامورُ صَدْرِي، وَحَمَائِلِ (جُمَّلِ)

و آنچه را قفسه سینه‌ام در بر گرفته، و بندهای

حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَازِ حَوَاشِي كَبْدِي،

پی شاهرگم، و آویخته‌های پرده دلم، و قطعات کناره‌های کبدم،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

وَمَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَقَبْضُ

و آنچه را در بر گرفته غضروفهای دنده‌هایم، و جایگاههای مفاصلم، و پیوستگی

عَوَامِلِي، وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي، وَلَحْمِي وَدَمِي، وَشَعْرِي وَبَشْرِي،

بهاهایم، و اطراف انگشتانم، و گوشتم، و خونم، و مویم، و پوستم،

وَعَصَبِي وَقَصَبِي، وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرْوَقِي، وَجَمِيعُ

و عصبم، و نایم، و استخوانم، و مغزم، و رگهایم، و تمام

جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتْ

اعضایم، و آنچه در ایام شیرخوارگی ام بر آنها بافته شد، و آنچه

الْأَرْضُ مِنِّي، وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي

زمین از سنگینی من برداشته، و خوابم و بیداری ام و سکونم، و حرکات رکوع

وَسُجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ

و سجودم، خلاصه با تمام این امور گواهی می‌دهم بر اینکه اگر به حرکت می‌آمدم و طول روزگارن،

وَالْأَحْقَابِ، لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ،

و زمانهای بس دراز می‌کوشیدم، بر فرض که آن همه زمان را عمر می‌کردم، که شکر یکی از نعمت‌هایت

مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا

را بجا آورم نخواهم توانست، جز با منتت که به سبب آن شکر بر من واجب می‌شود، شکر دایم

جَدِيدًا، وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا؛ أَجَلٌ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ

و نو، و ثنایی تازه و فراهم. آری اگر من و همه شمارش‌گران از افریدگانت، حرص ورزیم که نهایت

مِنْ أَنَامِكَ، أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ (سَالِفَةٍ) وَأَنْفِهِ

نعمت‌هایت، از نعمت‌های سابقه‌دار و بی‌سابقه‌ات را برشماریم، هرگز نمی‌توانیم به شماره آوریم،

(وَأَنْفَةٍ)، مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا؛ هَيْهَاتَ، أَنِّي

و نه اندازه آن را احصا کنیم، چه دور است چنین چیزی چگونه ممکن است؟ و حال

ذَلِكَ؛ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَالنَّبِيُّ الصَّادِقُ: ﴿وَإِنْ

آنکه تو در کتاب گویایت، و خیر صادقانه‌ات اعلام کرده‌ای:

تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصَوها﴾؛ صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبَاؤُكَ،

اگر نعمت‌های خدا را برشمارید، قدرت شمارش آن را ندارد. خدایا کتابت راست گفته، و اخبارت صادقانه است،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلَكَ، مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ،

و پیامبران و رسولانت به مردم رساندند، آنچه را از وحیت بر آنان نازل کردی، و برای

وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي، أَشْهَدُ بِجُهدِي

آنان و به وسیله آنان از دینت شریعت ساختی، معبودا من گواهی می‌دهم به تلاش

وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي (طَاقَتِي) وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا

و کوششم، و به قدر رسایی طاعت و ظرفیتم، و از باب ایمان و یقین

مَوْقِنًا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، فَيَكُونُ مَوروثًا،

می‌گویم: سپاس خدای را که فرزندی نگرفته، تا از او ارث برند،

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ، فَيُضَادُّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنْ

و برای او در فرمانروایی اش شریکی نبوده تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند، و سرپرستی از

الذَّلِّ، فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ؛ فَسُبْحَانَهُ وَسُبْحَانَهُ؛ ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا

خواری برایش نبوده، تا او را در آنچه ساخته یاری دهد، پس منزّه است او، منزّه است او، اگر در آسمان

آهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾ وَتَفَطَّرَتَا؛ سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ،

و زمین معبودهایی جز خدا بود، هر آینه هر دو تباه می‌شدند و متلاشی می‌گشتند، منزّه است خدای یگانه یکتا،

الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. الْحَمْدُ

و بی‌نیاز، که نزاده، و زاده نشده و احدی همتایش نبوده است. سپاس

لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ؛

خدای را، سپاسی که برابری کند با سپاس فرشتگان مقرب، و انبیای مرسلش را،

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

و درود و سلام خدا بر بهترین برگزیده از خلقش محمد خاتم پیامبران، و اهل بیت

الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم.

پاک و پاکیزه و ناب گشته او باد.

آنگاه آن حضرت، شروع به درخواست از خدا کرد، و در

دعا اهتمام ورزید، و درحالی که اشک از دیده‌های مبارکش

جاری بود، دعا را به این صورت ادامه داد:

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ،

خدایا چنانم کن که از تو بترسم، گویا که تو را می بینم، و با پرهیزگاری مرا خوشبخت گردان،

وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي

و به نافرمانی ات بدبختم مکن، و خیر در قضایت را برایم اختیار کن، و به من در

قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا آخَرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ.

تقدیرت برکت ده، تا تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم، و تأخیر آنچه را تو پیش انداختی میل نکنم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي

خدایا قرار ده، بی نیازی را در ذاتم، و یقین را در دلم، و اخلاص را در

عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتِّعْنِي

عملم، و نور را در دیده ام، و بصیرت و بصیرت را در دینم و مرا به اعضا

بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَانصُرْنِي عَلَى

بهره مند کن، و گوش و چشمم را دو وارث من گردان، و مرا بر آن که به من

مَنْ ظَلَمَنِي، وَارِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي.

ستم روا داشته پیروز فرما، و در رابطه با او انتقام و هدفم را نشانم ده، و چشمم را بدین سبب روشن گردان.

اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي،

خدایا گرفتاری ام را برطرف کن، و زشتی ام را بپوشان، و خطایم را ببامرز

وَإِخْسَاءَ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رَهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي، الدَّرَجَةَ العُلْيَا

و شیطانم را بران و ذئیم را ادا کن، و برایم معبودا در آخرت و دنیا

فِي الآخِرَةِ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي

درجه ای برتر قرار ده، خدایا تو را سپاس، مرا آفریدی، و شنوا

سَمِيْعًا بَصِيْرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا

و بینا قرار دادی، و تو را سپاس که مرا پدید آوردی، و از روی رحمت،

[حَيًّا] سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا. رَبِّ بِمَا

آفریده ای متناسب قرار دادی، در حالی که از آفرینش من بی نیاز بودی، پروردگارا به اینکه

بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي؛ رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صَوْرَتِي؛

مرا پدید آوردی، پس در خلقتم تناسب نهادی، پروردگارا به اینکه آفرینشم را آغاز نمودی، و صورتم را نیکو نمودی،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ (بِ) وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِي

پروردگارا به اینکه به من احسان کردی و در خویشتم عافیت نهادی، پروردگارا به اینکه محافظتم نمودی

وَوَفَّقْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي

و موفقم داشتی، پروردگارا به اینکه بر من نعمت بخشیدی و راهنمایی ام نمودی، پروردگارا به اینکه سزاوار احسانم

وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا

کردی، و از هر خیری عطایم کردی، پروردگارا به اینکه مرا خوردندی و نوشاندی، پروردگارا به اینکه

أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي؛ رَبِّ بِمَا

بی نیازم ساختی و اندوخته ام بخشیدی، پروردگارا به اینکه یاری ام نمودی و عزتم بخشیدی، پروردگارا به اینکه

الْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي؛ وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي،

به من پوشاندی، از پوشش با صفایت و بر من آسان نمودی، از رفتار کفایت کننده ات،

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ،

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بر بلاهای روزگار،

وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْآيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ

و حوادث شبها و روزها یاری ده، و از هراسهای دنیا، و گرفتاریهای

الْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ. اللَّهُمَّ مَا

آخرت نجات ده، و مرا از شر آنچه ستمگران در زمین انجام می دهند کفایت کن. خدایا از آنچه

أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَاقْنِي، وَفِي نَفْسِي وَ دِينِي

می ترسم مرا بس باش و از آنچه حذر می کنم نگهداری کن، و در نفسم و دینم

فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي

از من نگهداری فرما و مرا در سفرم نگهدار، و در خاندان و مالم

فَاخْلُفْنِي، وَفِي رَزَقْتِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي، وَفِي

جانشین باش، و مرا در آنچه نصیبم فرمودی برکت ده، و در نزد خویش خوارم ساز، و در

أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِبِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي،

دیدگان مردم بزرگم کن، و از شر جن و انس سالمم بدار

وَيَذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبَسْرِيَّتِي فَلَا تُخْرِزْنِي، وَبِعَمَلِي

و به گناهانم رسوایم مساز، و به باطنم سبکم منما، و به عملم

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

فَلَا تَبْتَلْنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَالْإِلَهَ غَيْرَكَ فَلَا تَكِلْنِي. إِلَهِي إِلَى

دچارم مکن، و مرا از نعمت‌های محروم مفرما، و به غیر خود واگذارم مکن. خدایا، مرا به که

مَنْ تَكِلْنِي؟! إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ

واگذار می‌کنی؟ به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد، یا به بیگانه تا با من با ترش‌رویی برخورد کند یا به

إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي، وَمَلِيكَ أَمْرِي؟! أَشْكُو إِلَيْكَ

آن‌ان که خوارم می‌شمرند؟، و حال اینکه تو خدای من، و زمامدار کار منی. من به تو شکایت می‌کنم،

غُرْبَتِي، وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي. إِلَهِي

از غربتم، و دوری خانه آخرتم، و سبکی‌ام نزد کسی که اختیار کارم را به او دادی. خدایا

فَلَا تُحِلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ؛

غضبت را بر من فرود نیاور، اگر در مقام خشم کردن بر من نباشی، از غیر تو باک ندارم،

سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي؛ فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ

منزهی تو، جز اینکه عافیت بر من گسترده‌تر است، از تو درخواست می‌کنم پروردگارا به نور

وَجْهَكَ، الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكُشِفَتْ

جمالت، که زمین و آسمانها به آن روشن گشت، و تاریکیها

(انكشفت) بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ

به آن برطرف شد، و کار گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید، که مرا بر

لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ؛ لَكَ الْعُتْبَى لَكَ

خشمت نمیرانی، و ناخشنودیت را بر من فرود نیاوری، خشنودی حق توست، خشنودی

الْعُتْبَى، حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ رَبَّ الْبَلَدِ

حق توست، تا پیش از آن راضی شوی، معبودی جز تو نیست، پروردگارا خانه

الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ،

محترم، و مشعر الحرام، و خانه کعبه که برکت را در آن نازل فرمودی،

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا؛ يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِجَلْمِهِ، يَا

و آن را برای مردم ایمن ساختی، ای آن‌که با بردباری اش از گناهان بزرگ گذشت، ای

مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا

آن‌که با فضلش نعمتها را کامل ساخت، ای آن‌که با کرشم گسترده و فراوان عطا کرد، ای

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَليِّي

توشه‌ام در سختیها، ای همراهم در تنهایی، ای فریادرسم ای در گرفتاریها، ای

فِي نِعْمَتِي، يَا اِلٰهِي وَ اِلٰهَ اَبَائِي، اِبْرَاهِيْمَ وَ اِسْمَاعِيْلَ، وَ اِسْحَاقَ

سرپرستم در نعمتها، ای خدای من و خدای پدرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

وَ يَعْقُوْبَ، وَ رَبَّ جَبْرَيْلَ وَ ميْكَائِيْلَ (ميْكَالَ) وَ اِسْرَافِيْلَ،

و یعقوب، و پروردگار و جبرائیل و میکائیل و اسرافیل

وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، وَ اِلٰهَ الْمُنتَجَبِينَ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ

و پروردگار محمد خاتم پیامبران و اهل بیت برگزیده‌اش و نازل کننده تورات

وَ الْاِنْجِيْلِ، وَ الزَّبُوْرِ وَ الْفُرْقَانِ، وَ مُنْزِلَ كَهيعص (كاف، ها، يا،

و انجیل و زبور و قرآن و فروفرستنده کهیعص و طه

عين، صاد)، وَ طه (طا، ها)، وَ يس (يا، سين)، وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيْمِ؛

و یس و قرآن حکیم و تو پناهگاه منی زمانی که راهها با همه

اَنْتَ كَهْفِي حِيْنَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَ تَضِيْقُ بِي الْاَرْضُ

و سعتشان در مانده‌ام کنند، و زمین با همه پهناوری‌اش بر من تنگ گیرد

بِرُحْبِهَا (بِمَارْحُبَتِ)، وَ لَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِيْنَ، وَ اَنْتَ

و اگر رحمت تو نبود، هر آینه من از هلاک شدگان بودم، و نادیده گیرنده لغزشم تویی،

مُقِيْلُ عَثْرَتِي، وَ لَوْلَا سَتْرُكَ اِيَّايَ (لِي) لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوْحِيْنَ،

و اگر پرده پوشی‌ات بر من نبود، هر آینه من از رسواشدگان بودم، و تویی

وَ اَنْتَ مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلٰى اَعْدَائِي، وَ لَوْلَا نَصْرُكَ اِيَّايَ لَكُنْتُ

که مرا با پیروزی بر دشمنانم تأیید می کنی، و اگر یاری تو نبود هر آینه من از

مِنَ الْمَغْلُوْبِيْنَ؛ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرَّفْعَةِ، فَاولِيَاؤُهُ

شکست خوردگان بودم، ای که وجودش را به بلندی و برتری اختصاص داده، در نتیجه اولیایش به عزت

بِعِزِّهِ يَعْتَزُّوْنَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوْكُ نِيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلٰى اَعْنَاقِهِمْ،

او عزیز می شوند، ای آن که پادشاهان در برابرش یوغ ذلت بر گردنهایشان گذاشته‌اند،

فَهُمْ مِنْ سَطُوَاتِهِ خَائِفُوْنَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ، وَ مَا تُخْفِي

در نتیجه از حملاتش ترسانند، خیانت چشمه‌را، و آنچه

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

الصُّدُورُ، وَ غَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَ الدُّهُورُ؛ يَا مَنْ

سینه‌ها پنهان می‌کنند می‌داند، و به پنهانی‌هایی که زمانها و روزگار می‌آورد آگاهی دارد،

لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ

ای آن که جز او نمی‌داند و چگونه است، ای آن که جز او نمی‌داند

لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، [يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ]، يَا مَنْ كَبَسَ

او چیست، ای آن که جز او او را نمی‌شناسد،

الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ،

ای آن که زمین را بر آب انباشت، و هوا را به آسمان بست، ای آن که او راست گرامی‌ترین نامها

يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ

ای صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد، ای آماده‌کننده کاروان برای نجات یوسف

فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ

در سرزمین بی آب و گیاه، و خارج‌کننده‌اش از چاه، و قرار دهنده‌اش بر تخت

مَلِكًا؛ يَا رَادُّهُ عَلَى يَعْقُوبَ، بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنْ

پادشاهی پس از دوره بندگی ای برگرداننده یوسف به نزد یعقوب، پس از آنکه دو چشمش

الْحُزْنِ، فَهُوَ كَظِيمٍ؛ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَ الْبَلْوَى عَنِ أَيُّوبَ، وَ [يَا]

از اندوه نابینا شد، و دلش آکنده از غم بود، ای برطرف‌کننده بدحالی و گرفتاری

مُمْسِكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ، بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ، وَ فَنَاءِ عُمَرِهِ؛

از ایوب، ای گیرنده دستهای ابراهیم از بریدن سر فرزندش، پس از سن پیری، و به پایان آمدن عمرش

يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا، فَوَهَّبَ لَهُ يَحْيَى، وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا

ای که دعای زکریا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را یگانه و تنها

وَ حِيدًا؛ يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ، يَا مَنْ فَلَقَ

و انگذاشت، ای که یونس را از دل ماهی به در آورد، ای

الْبَحْرِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنْ

که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را نجات داد، و فرعون و لشکر یانش

الْمُعْرَقِينَ؛ يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ، يَا

را از غرق شدگان قرار داد ای که بادها را مژده دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاد، ای

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

مَنْ لَمْ يَعْبَلْ عَلَىٰ مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ

که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نورزد، ای آن که ساحران روزگار موسی را از ورطه هلاکت رهانید،

مِنْ بَعْدِ طَوْلِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَّوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كَلُونَ رِزْقَهُ،

پس از سالیان طولانی که در انکار حق بودند، و در عین حال متنعم به نعمت او رزقش را می خوردند،

وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادَّوْهُ وَنَادَّوْهُ، وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ. يَا اللَّهُ

و برای غیر او بندگی می کردند، با او مخالفت داشتند و برای او شبیه قرار داده بودند، و پیامبرانش را تکذیب کردند، ای

يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ، يَا بَدِيعُ (بَدِيعًا) لَا نِدَّ (بَدَاءً) لَكَ، يَا دَائِمًا

خدا، ای خدا، ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی نیست، ای جاودانی که پایانی برایت

لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ

نمی باشد، ای زنده وقتی که زنده ای نبود، ای زنده کننده مردگان، ای مراقب بر هر کس

عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي،

به آنچه که انجام داده، ای که شکرم برای او اندک است ولی محرومم نساخت،

وَ عَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَ رَأَىٰ عَلَىٰ الْمَعَاصِي

و خطایم بزرگ شد، پس رسوایم نکرد، و مرا بر نافرمانیها دید، ولی در بین

فَلَمْ يَشْهَرْنِي (يَخْذُلْنِي)؛ يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي

مردم رسوایم ننمود، ای که در خردسالی حفظم نمود، و در بزرگسالی

فِي كِبَرِي، يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُحْصَىٰ، وَ نِعْمُهُ لَا تُجَازَىٰ،

رزقم داد، ای که عطاهايش نزد من شماره نشود، و نعمتهايش تلافی نگردد، ای که

يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَ الْإِحْسَانِ، وَ عَارَضْتَهُ بِالْإِسَاءَةِ

با من به خیر و احسان روبرو شد، و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم،

وَ الْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ، مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ

ای که به ایمان هدایت نمود، پیش از آنکه سپاس نعمتهايش را بشناسم، ای

الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَ عُرِيَانًا فَكَسَانِي،

که در بیماری خواندمش، پس شفایم داد، و در حال برهنگی، پوشاندم مرا، و در حال گرسنگی

وَ جَائِعًا فَاشْبَعَنِي، وَ عَطْشَانَ فَارَوَانِي، وَ ذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَ جَاهِلًا

سیرم کرد و در حال تشنگی سیراب نمود، و در حال خواری، عزتم بخشید، و در حال نادانی،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرس

فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَّدَنِي، وَمُقَلًّا فَأَعَانَنِي،

معرفتم بخشید، و در حال تنهایی افزونم نمود، و در حال غربت، بزم گرداند، و در حال نداری،

وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ

دارایم کرد، و در یاری خواهی، یاری ام فرمود، و در ثروتمندی محرومم نکرد، و از درخواست همه

ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي؛ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي،

اینها باز ایستادم، پس او شروع به عنایت بر من نمود، حمد و سپاس تو راست، ای که لغزشم را نادیده گرفت

وَنَفْسٍ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي،

و اندوهم را زدود، و دعایم را اجابت نمود، و عیبم را پوشاند، و گناهم را آمرزید،

وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ

و مرا به خواسته ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند، اگر نعمتها

وَمِنَّكَ، وَكَرَائِمٍ مِّنْحِكَ لَا أُحْصِيهَا . يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي

و عطاها و بخششهای بارزشت را برشمارم هرگز نمی توانم به شماره آرم، ای سرور من، تویی

مَنْنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي

که عطا کردی، تویی که نعمت دادی، تویی که نیکی کردی، تویی که

أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي

زیبا نمودی، تویی که افزون نمودی، تویی که کامل کردی، تویی که

رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَقَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي

روزی دادی، تویی که موفق نمودی، تویی که عطا فرمودی، تویی که

أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي

بی نیاز نمودی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی، تویی که

كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي

کفایت نمودی، تویی که راهنمایی فرمودی، تویی که حفظ کردی، تویی که

سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي

پرده پوشی نمودی، تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی، تویی که

مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي

قدرت دادی، تویی که عزت بخشیدی، تویی که کمک کردی، تویی که

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيْدَتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي

مساعدت فرمودی، تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی، تویی که

شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكَتَ

شفا بخشیدی، تویی که سلامت کامل دادی، تویی که گرامی داشتی، بزرگ

وَتَعَالَيْتَ؛ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا

و برتری، حمد و شکر همیشگی تو راست، سپس من

يَا إِلَهِي، الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي، فَاعْفِرْهَا لِي. أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي

معبودا اعتراف کننده به گناهانم هستم، پس مرا ببامرز، منم که بد کردم، منم که

أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ،

خطا کردم، منم که قصد گناه کردم، منم که نادانی نمودم، منم که غفلت ورزیدم، منم

أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي

که اشتباه کردم، منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمد داشتم، منم که

وَعَدْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ،

وعده کردم، منم که وعده شکستم، منم که پیمان شکنی نمودم، منم که اقرار کردم، منم

أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ عِنْدِي، وَ أَبُوؤُ بِذُنُوبِي،

که به نعمت بر خود و پیش خود اعتراف کردم، و به گناهانم اقرار می کنم، پس مرا

فَاعْفِرْهَا لِي؛ يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنِ

ببامرز، ای آن که گناهان بندگانش به او زیانی نرساند، و او بی نیاز از طاعت آنان است،

طَاعَتِهِمْ، وَ الْمُؤَفَّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ، بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ؛

و توفیق دهنده کسی که از آنان به کمک و رحمتش عمل شایسته بجا آورد، تو را سپاس

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي. إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَ نَهَيْتَنِي

ای معبود من و آقای من، و خدای من، فرمان دادی فرمانت نخواندم، نهیم نمودی، مرتکب نهیتم شدم،

فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ (لِي) فَاعْتَذِرْ، وَ لَإِذَا

اکنون چنانم، که نه دارنده زمینه براتتم تا عذرخواهی کنم، و نه دارای

قُوَّةً فَانْتَصِرْ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلُكَ (اسْتَقْبَلُكَ) يَا مَوْلَايَ؟!!

قدرتم، تا یاری ستانم، ای مولای من با چه وسیله ای با تو روبرو شوم؟،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

اِبْسَمِیْ اَمْ بَبْصَرِیْ اَمْ بِلِسَانِیْ، اَمْ بِيَدِیْ اَمْ بِرِجْلِیْ؟! اَلَيْسَ

آیا با گوشم، یا با دیده‌ام، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم، آیا این

كُلُّهَا نِعْمَتَكَ عِنْدِي؟! وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلَاكَ الْحُجَّةُ

همه نعمتهای تو نزد من نیست؟ و من با همه اینها تو را معصیت کردم، ای مولای من، تو را بر من حجت

وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ؛ يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْاَبَاءِ وَالْاُمَّهَاتِ اَنْ

و راه است، ای آن که مرا از پدران و مادران پوشاند، از اینکه مرا از

يَزْجُرُونِي، وَمِنْ الْعَشَائِرِ وَالْاِخْوَانِ اَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنْ

خود برانند، و از خویشان و برادران، و از اینکه مرا سرزنش کنند، و از

السَّلَاطِينِ اَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ اَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اَطَّلَعَتْ

پادشاهان از اینکه مجازاتم نمایند، مولای من اگر اینان آگاه می شدند،

عَلَيْهِ مِنِّي، اِذَا مَا اَنْظُرُونِي، وَكَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي؛ فَهَا اَنَا ذَا يَأ

بر آنچه تو بر آن از من می دانی، در این صورت مهلتم نمی دادند، و مرا تنها می گذاردند، و از من می بریدند، هم اینک

اِلٰهِي بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيْلٌ، حَصِيْرٌ حَقِيْرٌ، لَا ذُو

ای خدای من در برابرت هستم، ای آقای من، فروتن و خوار، درمانده و کوچک، نه دارنده زمینه برائتم،

بِرَاةٍ فَاَعْتَذِرُ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةٍ فَاَحْتَجُّ بِهَا،

تا عذرخواهی کنم، و نه نیرویی که یاری بطلبم، و نه دلیلی که با آن احتجاج نمایم،

وَلَا قَائِلٌ لَمْ اَجْتَرِحْ وَلَمْ اَعْمَلْ سَوْءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُوْدُ وَلَوْ

و نه گوینده‌ای هستم که گناه و کار بد نکرده باشم، انکار گناه کجا؟ بر فرض اگر انکار می کردم،

جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي! كَيْفَ وَاِنِّي ذَلِكَ؟ وَجَوَارِحِي

چه سود می داد، چگونه؟ و چسان این معنا ممکن شود، و حال آنکه همه اعضايم بر آنچه عمل کردم

كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ (عَلِمْتُ)، وَعَلِمْتُ يَقِيْنًا غَيْرَ

بر من گواهند به یقین دانستم بدون تردید، که تو از کارهای بزرگ

ذِي شَاكٍ، اِنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْاُمُوْر، وَاِنَّكَ الْحَكْمُ

من پرسنده‌ای، و تو حاکم و عدالت پیشه‌ای هستی که در حکم

(الْحَكِيْمُ) الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُوْرُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ

و داوری ستم نمی کنی، و عدالت تو هلاک کننده من است، و من از همه

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

عَدَلِكَ مَهْرَبِي؛ فَإِن تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي ، فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ

عدالت تو گریزانم، معبودا اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهان من است پس از حجّتی

عَلَيَّ ، وَ إِن تَعْفُ عَنِّي ، فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَ كَرَمِكَ .

که بر من داری، و اگر از من درگذری، به سبب بردباری و جود و کرم توست،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا

معبودی جز تو نیست منزّهی تو من از ستمکارانم، معبودی جز

أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تو نیست منزّهی تو من از آمرزش خواهانم، معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛

منزّهی تو من از یکتا پرستانم، معبودی جز تو نیست منزّهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ

من از هراسندگانم معبودی جز تو نیست، منزّهی تو من از

مِنَ الْوَجِلِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ .

بیمناکنم، معبودی جز تو نیست منزّهی تو من از امیدوارانم،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا

معبودی جز تو نیست منزّهی تو من از مشتاقانم، معبودی جز

أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

تو نیست منزّهی تو من از «لا اله الا الله» گوینم، معبودی جز تو نیست

سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛

منزّهی تو من از درخواست کنندگانم، معبودی جز تو نیست منزّهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ إِنِّي كُنْتُ

من از تسبیح کنندگانم، معبودی جز تو نیست منزّهی تو، من از

مِنَ الْمُكَبِّرِينَ . لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ؛ رَبُّ وَرَبُّ آبَائِي

تکبیر گوینم، معبودی جز تو نیست منزّهی تو پروردگار من و پروردگار پدران

الْأُولَى . اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُجَدًّا، وَ اخْلَاصِي لِذِكْرِكَ

نخستین من، خدایا این است ثنای من بر تو برای تعظیم تو، و اخلاصم برای یاد تو.

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِالْأَيْكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي

برای یکتاپرستی، و اقرارم به نعمتهایت، در شمارش آنان، اگر چه اعتراف دارم نتوانستم آنها را

لَمْ أَحْصِهَا، لِكَثْرَتِهَا وَ سُبُوغِهَا، وَ تَظَاهِرِهَا وَ تَقَادُمِهَا إِلَى

شماره کنم به خاطر کثرت و کمالش و نمایانی و پیشی جستنش تاکنون،

حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي (تَتَعَمَّدُنِي) بِهَا مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي،

آنچه همواره مرا با آن همراه آنها سرپرستی می کردی، از هنگامی که مرا آفریدی

وَبَرَّأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَ كَشَفِ الضَّرِّ،

و پدید آوردی، از آغاز عمر، و همه آنچه بر من بخشیدی از: بی نیاز گرداندم از تهیدستی، و برطرف کردن بدحالی،

وَ تَسْبِيبِ الْيُسْرِ، وَ دَفْعِ الْعُسْرِ، وَ تَفْرِيجِ الْكَرْبِ، وَ الْعَافِيَةِ فِي

و فراهم کردن اسباب راحتی و دفع دشواری و گشودن گره اندوه، و تندرستی

الْبَدَنِ، وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ

در بدن، و سلامت در دین، اگر همه جهانیان از گذشتگان و آیندگان

جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى

به اندازه ای که نعمت را ذکر کنم یاری ام دهند، نه من قدرت ذکر آن را دارم نه

ذَلِكَ؛ تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ، عَظِيمٍ رَحِيمٍ؛ لَا تُحْصِي

آنها، مقدسی و برتری، از اینکه پروردگار کریم، بزرگ، مهربانی عطاهایت

الْأَوْكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

به عدد نیاید، به ثنایت نتوان رسید. نعمتهایت تلافی نگردهد، بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَتَمَّ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَ أَسْعَدَنَا بِطَاعَتِكَ؛ سُبْحَانَكَ؛

و خاندان محمد درود فرست و نعمتهایت را بر ما تمام کن و به طاعتت خوشبختمان فرما، منزهی تو،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَ تَكْشِفُ السَّوْءَ،

معبودی جز تو نیست. خدایا بیچارگان را پاسخ می دهی، و بدی را برطرف می کنی،

وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَ تَشْفِي السَّقِيمَ، وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ، وَ تُجَبِّرُ

و به فریاد گرفتاران می رسی، و بیماران را درمان می کنی، و تهیدست را بی نیاز می گردانی، و شکست

الْكَاسِرَ، وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَ تُعِينُ الْكَبِيرَ، وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ،

را جبران می نمایی، و به خردسالان رحم می کنی، و به بزرگسالان کمک می دهی، جز تو پشتیبانی نیست،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ؛ يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ

و فوق تو قدرتمندی وجود ندارد، و تو برتر و بزرگی ای رهاکننده

الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ،

اسیر در بند، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای پناه هراسنده پناه خواه،

يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای که برایت شریک و وزیری نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ

و در این شب به من عطا کن برترین چیزی که عطا کردی و نائل نمودی یکی از

عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلَّيْتُهَا، وَ آلاءِ تُجَدِّدُهَا، وَ بِلَايَةٍ تَصْرِفُهَا،

بندگانت را، از نعمتی که می بخشی، و عطاهایی که تجدید می نمای، و بلایی که برمی گردانی

وَ كُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَ دَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَ حَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَ سَيِّئَةٍ

و رنجی که برطرف می کنی، و دعایی که می شنوی، و عمل نیکی که می پذیری، و بدی

تَتَقَمِّدُهَا؛ إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

که می پوشانی، همانا به هر چه خواهی مهربان و آگاهی، و بر هر چیز توانایی.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا،

خدایا تو نزدیک ترین کسی هستی که خوانده شود، و سریع ترین کسی که جواب دهد،

وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَ أَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ؛ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و بزرگوار ترین کسی که گذشت کند، و وسیع ترین کسی که عطا کند، و شنواترین کسی که سؤال شود، ای مهربان دنیا و

وَ رَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْؤُولٌ، وَ لَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ،

آخرت، و بخشنده دنیا و آخرت، همانند تو سؤال شده ای نیست، و غیر تو آرزو شده ای وجود ندارد،

دَعْوَتِكَ فَاجَبْتَنِي، وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ

خواندمت، پاسخ دادی، از تو درخواست کردم عطا نمودی، و به سویت میل کردم، به من

فَرَحِمْتَنِي، وَ وَثِقْتُ بِكَ فَنجَّيْتَنِي، وَ فَرِزَعْتُ إِلَيْكَ

رحم فرمودی، به تو اطمینان کردم، و نجاتم دادی، و به تو پناهنده شدم،

فَكَفَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

کفایت نمودی، خدایا درود فرست بر محمد بنده و فرستاده ات

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا

و پیامبرت، و بر همگی اهل بیت پاک و پاکیزه‌اش، و نعمتهایت

نِعْمَاءِكَ، وَهَنِّدْنَا عَطَاءَكَ، وَاکْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِأَنَّكَ

را بر ما تمام کن، و عطاهایت را بر ما گوارا گردان، و ما را نسبت به خود از سپاسگزاران، و در نعمت هایت

ذَاكِرِينَ. آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ،

از یادکنندگان ثبت فرما، آمین آمین ای پروردگار جهانیان. خدایا ای که مالک شد و توانست،

وَقَدَرَ فَقْهَرَ، وَعُصِيَ فَسْتَر، وَاسْتُغْفِرَ فَعَفَرَ؛ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ

و توانست و چیره شد، نافرمانی شد و پوشاند، از او آمرزش خواسته شد و آمرزد، ای هدف خواستاران

الرَّاعِبِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا،

مشتاق، و نهایت آرزوی امیدواران ای آن که در دانش بر هر چیز احاطه دارد،

و وَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا. اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ

و در مهربانی و رحمت و بردباری، جویندگان گذشت از گناه را فراموش می‌گیرد. خدایا در این شب

إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا، بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ

به تو رو می‌آوریم، شبی که آن را شرافت و عظمت دادی به محمد پیامبرت

وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ،

و فرستاده‌ات و برگزیده و برگزیده، از خلقت، و امین و وحیت،

الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ،

آن مؤده‌دهنده و ترساننده، و چراغ نوربخش، آن که به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی،

وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و او را رحمت برای جهانیان قرار دادی. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست،

كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ؛ يَا عَظِيمُ، فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ،

آنچنان که محمد از جانب تو شایسته آن است، ای بزرگ، بر او و بر همه خاندان

الْمُنْتَجَبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا،

نجیب و پاک و پاکیزه‌اش درود فرست، و ما را به گذشتت از ما ببوشان،

فَالِيكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ؛ فَاجْعَلْ لَنَا اللّٰهُمَّ فِي

که صداها با انواع لغات به جانب تو بلند است، خدایا در این شب

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

هَذِهِ الْعَشِيَّةَ، نَصِيْبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ

برای ما قرار ده، از هر خیری نصیبی که میان بندگانت تقسیم می کنی، و نوری

تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَاتٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا،

که با آن هدایت می نمایی، و رحمتی که می گسترانی، و برکتی که فرو می فرستی، و عافیتی که بر اندام حیات بندگان

وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ

می پوشانی، و رزقی که می گستری، ای مهربان ترین مهربانان. خدایا ما را در این وقت

مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ، مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ،

از پیشگاه رحمت پیروز و رستگار و پذیرفته و بهره مند بازگردان، و ما را از ناامیدان قرار مده،

وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ،

و از رحمتت با دست خالی مگذار، و از آنچه از فضل امیدواریم مبتلای به حرمان مکن،

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ

و از رحمتت محرومان منما، و از افزونی آنچه از

عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ؛

عطایت آرزو داریم ناامید مساز، و ناکام باز مگردان، و از درگاهت مردمان،

يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مَوْقِنِينَ،

ای بخشنده ترین بخشنندگان، و کریم ترین کریمان، یقین کنان به درگاهت رو نمودیم،

وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَ أَكْمِلْ

و آهنگ کنان و قصدکنان به زیارت خانهات آمده ایم، بر ادای مناسک حج یاری مان ده، و حجتمان

لَنَا حَجَّنا، وَاعْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ

را کامل نما، و از ما در گذر و به ما سلامت کامل بده، چرا که دستهای خود را به جانب تو دراز کرده ایم، و آن

بِذَلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعِظْنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا

دستها به خواری اعتراف علامت دار است. خدایا آنچه را در این شب از تو خواستیم

سَأَلْنَاكَ، وَ أَكْفِنَا مَا اسْتَكْفِينَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ

به ما عطا کن، و کفایت آنچه را از تو خواستیم عهده دار باش، که ما را کفایت کننده ای جز تو نیست، و برای ما پروردگاری

لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا

جز تو نمی باشد، قانونت بر ما نافذ است، دانشت ما را فراگیر است، قضایت درباره ما

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

قَضَاؤُكَ، اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ . اَللّٰهُمَّ

عادلانه است، خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده. خدا یا

اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْاَجْرِ، وَكَرِيمَ الذُّخْرِ، وَدَوَامَ الْيُسْرِ،

پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت و بر ما لازم گردان،

وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ

و گناهان همه ما را بیامرز، و با هلاک شدگان و هلاکمان مکن،

عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ؛ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي

و مهربانی و رحمتت را از ما باز مگردان، ای مهربان ترین مهربانان، خدا یا در این وقت

هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَتَابَ

ما را از کسانی قرار ده، که از تو درخواست کردند، و توبه آنان عطا فرمودی و تو را شکر نمودند پس بر

(ثَابَ) اِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا؛

آنان افزودی و به سویت باز گشتند و آنان را پذیرفتی، و به سوی تو از همه گناهانشان بیزاری جستند

يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ . اَللّٰهُمَّ وَ نَقِّنَا [وَ وَفَّقْنَا] وَ سَدِّدْنَا،

پس همه گناهانشان را آمرزیدی ای دارای بزرگی و بزرگواری. خدا یا ما را پاک کن،

[وَاعْصِمْنَا] وَاَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا؛ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا اَرْحَمَ مَنْ

و به جانب راستی و درستی توجه ده، و زاری ما را بپذیر، ای بهترین کسی که درخواست شد، و رحم کننده ترین

اسْتَرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لِحْظُ

کسی که از او رحمت خواسته شد، ای آن که بر هم نهادن پلکها، و دقت نظر

الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ

چشمها بر او پوشیده نیست، و آنچه در نهان مستقر شده، و آنچه را

مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ؛ اَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ اَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسَعَهُ

پنهانیهای قلوب در برگرفته از او مخفی نیست، آری همه اینها را دانشت شماره کرده،

حِلْمُكَ؛ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا،

و بردباری ات فرا گرفته، تو منزهی و برتری، از آنچه ستمگران در باره ات می گویند، پس برتری

تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ

آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنهاست تو را تسبیح می گویند،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْمَجْدِ؛ يَا

و هیچ موجودی نیست مگر اینکه با سپاست تسبیح می گوید، پس تو را سپاس و بزرگواری و بلندی مقام، ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ،

دارنده بزرگی و کرامت و فضل و نعمت، و عطاهای بزرگ،

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ

و تویی بخشنده کریم رؤوف و مهربان، خدایا از روزی حلالیت

رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَآمِنْ خَوْفِي، وَأَعْتِقْ

بر من وسعت ده، و در تن و دینم سلامت کامل بخش، و ترسم را امان ده، و وجودم

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي

را از آتش آزاد کن، خدایا بلایت را به جرمه گناهانم بر من قرار مده، و مرا به تدریج بر بدیهایم

وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ.

مؤاخذه مکن، و مرا در خیالات باطلم رها مساز، و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن.

در این قسمت از دعا سر و دیده خود را به جانب آسمان برداشت، و از دیده های مبارکش مانند ریزش آب از دو مشک، اشک می ریخت، و با صدای بلند به محضر حق عرضه داشت:

يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ،

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، و ای سریعترین حسابرسان،

وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، السَّادَةِ الْمِيَامِينَ،

و ای مهربان ترین مهربانان، بر محمد و خاندان محمد آن سروران با میمنت درود فرست،

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي، الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا

و از تو درخواست می کنم خدایا حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی، بی شک هرچه را از من دریغ ورزی به

مَنْعَتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ

من ضرری نرساند، و اگر قضای حاجتم را از من دریغ نمایی، آنچه را عطایم کنی سودی نبخشد، آزادی عهدم را

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفة

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ؛ لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَاكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ

از آتش از تو درخواست می‌کنم، معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای، برایت شریک نیست،

الْمَلِكُ وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يَا رَبِّ يَا رَبِّ ...

فرمانروایی و سپاس خاص توست، و تو بر هر چیز توانایی، پروردگارا پروردگارا.

پیوسته «یا رَبِّ» می‌گفت، و همه آنان که اطراف حضرت بودند به دعای حضرت گوش فرا دادند و به آمین گفتن اکتفا نمودند، در نتیجه صداهایشان با آن حضرت به گریستن بلند شد، تا آفتاب غروب کرد، سپس زاد و توشه خود را بار کرده، به سوی مشعر الحرام حرکت کردند. مؤلف گوید: کفعمی دعای عرفه حضرت سید الشهداء علیه السلام را در کتاب (بلد الامین) تا این قسمت ذکر کرده، و علامه مجلسی در «زاد المعاد» این دعای شریف را موافق روایت کفعمی نقل فرموده ولی سید ابن طاووس در کتاب اقبال، پس از «یا رَبِّ، یا رَبِّ، یا رَبِّ» این اضافه را آورده:

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي! أَنَا

خدایا، در عین توانگری تهیدستم، پس چگونه در تهیدستی تهیدست نباشم،

الْمُجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي! إِلَهِي إِنَّ

خدایا در عین دانایی نادانم، پس چگونه در عین نادانی نادان نباشم. خدایا

اِخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَائِ مَقَادِيرِكَ ، مَنْعًا عِبَادَكَ

همانا اختلاف تدبیرت، و سرعت تقدیراتت، تغییر تقدیراتت،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

العارفين بك عن السكونِ الى عطاء، واليأس منك في بلاء.

بندگان عارف به تو را، از اطمینان به بخشش و ناامیدی از تو در گرفتاری باز داشته است.

إلهي مني ما يليقُ بلؤمي، ومنك ما يليقُ بكرمك. إلهي

خدایا از من است آنچه سزاوار پستی من است، و از توست آنچه شایسته بزرگواری توست. خدایا

وصفت نفسك باللطف والرأفة لي قبل وجود ضعفي،

تو خود را با لطف و مهربانی به من توصیف کرده‌ای پیش از پیدایش ناتوانی من،

أفتمنعني منهما بعد وجود ضعفي؟! إلهي إن ظهرت

آیا آن دو را از من دریغ ورزی پس از پدید آمدن ناتوانی ام، خدایا اگر زیبایی‌هایی

المحاسن مني فبفضلك، ولك المنّة عليّ، وإن ظهرت

از من نمایان شود، به فضل توست، و تو را بر من منت بسیار است، و اگر زشتی‌هایی از من ظاهر گردد،

المساوي مني فبعديك، ولك الحجّة عليّ. إلهي كيف تكلمني

به عدل توست و تو را بر من حجت کامل است. خدایا چگونه مرا و می‌نهی در صورتی

وقد تكفّلت لي؟! وكيف أضامُ وانت الناصر لي؟! أم كيف

که عهده‌دار من شده‌ای؟! و چگونه مورد ستم واقع شوم و حال آنکه تو یار منی؟! یا چگونه

أخيبُ وانت الحفيُّ بي؟! إلهي أنا أتوسّل إليك بفقرى إليك،

نامید گردم، در حالی که نسبت به من سخت مهربانی اینک به نیازم به تو،

وكيف أتوسّل إليك بما هو محال أن يصل إليك؟! أم كيف

متوسل به توام، و چگونه متوسل به تو شوم به آنچه که محال است به تو برسد، یا چگونه

أشكو إليك حالي وهو لا يخفي عليك؟! أم كيف أترجم بمقال

از حالم به تو شکایت کنم و حال آنکه بر تو پوشیده نیست؟! یا چگونه با گفتارم ترجمه حال نمایم،

وهو منك برز إليك؟! أم كيف تخيبُ آمالي وهي قد وددت

در حالی که از تو برای تو واضح است؟! یا چگونه آرزوهایم را به عرصه نومیدی بری،

إليك؟! أم كيف لا تحسن أحوالي وبك قامت؟! إلهي ما الطفاك

در صورتی که به آستان تو وارد گشته؟ یا چگونه احوالم را نیکو نگردانی، در حالی که احوال من استوار به توست؟ خدایا چه

بي مع عظيم جهلي! وما أرحمك بي مع قبيح فعلي! إلهي

اندازه به من لطف داری. با این نادانی فوق العاده من، و چه قدر به من مهربانی، با این عمل زشت من؟ خدایا

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَابْعَدَنِي عَنْكَ! وَمَا أَرَأَيْكَ بِي! فَمَا الَّذِي يَحْبُبُنِي

چقدر به من نزدیکی، و من چقدر از تو دورم، و چه اندازه به من مهر می‌ورزی پس چیست. آنچه مرا از تو در

عَنْكَ؟ إلهي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ، وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ، أَنْ

پرده می‌کند؟ خدایا از اختلاف آثار، و تغییرات احوال دانستم که خواسته‌ات از

مُرَادِكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي

من این است که خود را در هر چیز به من بشناسانی تا در هیچ چیز نسبت به تو جاهل

شَيْءٍ. إلهي، كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لِوَمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا

نباشم، خدایا هر زمان فرومایگی‌ام از سخن مرا بازداشت، کرم تو گویایم نمود، و هر وقت

أَيَسَّتَنِي أَوْ صَافِي أَطْمَعَتَنِي مِنْكَ. إلهي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ

اوصافم ناامیدم کرد، نعمت‌هایت به طمعم انداخت. خدایا کسی که زیبایی‌هایش

مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي؟! وَمَنْ كَانَتْ

زشتی بوده، پس چگونه زشتی‌هایش زشتی نباشد، و کسی که

حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِي؟! إلهي

حقیقت‌گوییش ادعای خالی بوده، چگونه ادعایش ادعا نباشد؟ خدایا

حُكْمُكَ النَّافِذُ، وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ، لَمْ يَتْرُكْ لِيذِي مَقَالٍ مَقَالًا،

دستور نافذت، و مشیت چیره‌ات، برای صاحب سخن سخنی،

وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا. إلهي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَةٍ شَيْدَتْهَا،

و برای صاحب حال حالی نگذاشته، خدایا چه بسیار طاعتی که بنا کردم، و چه بسیار حالتی که استوار نمودم،

هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ. إلهي إِنَّكَ

عدالتت اعتمادم را بر آنها ویران کرد، ولی فضل تو عذر مرا از آنها پذیراست. خدایا همانا

تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ

می‌دانی هر چند طاعت از جانب من، به صورت کار جدی ادامه نداشته، ولی به صورت محبت و اراده ادامه

وَعَزْمًا. إلهي كَيْفَ أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ؟! وَكَيْفَ لَا أَعَزَّمُ

داشته. خدایا چگونه تصمیم بگیرم و حال آنکه تو چیره‌ای؛ و چگونه تصمیم نگیرم در حالی که

وَأَنْتَ الْأَمِيرُ؟! إلهي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوَجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ،

تو دستور دهنده‌ای، خدایا مردد شدن من در آثار موجب دوری دیدار است،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ

پس مرا با وجودت گرد آور، به وسیله عبادتی که مرا به تو رساند، چگونه بر وجود تو استدلال شود،

بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ؟! أَيَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ

به موجودی که در وجودش نیازمند به توست؟ آیا برای غیر تو ظهوری

مَا لَيْسَ لَكَ، حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ؟! اِمْتِنِي غِيبَتَ حَتَّى

هست که برای تو نیست، تا آن غیر، وسیله ظهور تو باشد؟! کی پنهان بوده‌ای،

تَحْتَاجُ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ؟! وَامْتِنِي بَعْدَتَ، حَتَّى تَكُونَ

تا نیازمند به دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده‌ای، تا

الآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصلُ إِلَيْكَ؟! عَمِيَّتَ عَيْنٍ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا

آثار واصل کننده به تو باشند؟ کور باد دیده‌ای که تو را بر آن دیده‌بان نبیند

رَقِيبًا، وَخَسِرْتَ صَفْقَةً عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا.

و زینکار باد تجارت بنده‌ای که از محبتت برای او سهمی قرار نداده‌ای،

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةٍ

خدایا مرا به رجوع به آثار فرمان دادی، پس مرا به پوششی از

الأنوارِ، وَهَدَايَةِ الإِسْتِْبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا، كَمَا

انوار و هدایتی بصیرت جو به سوی خود بازگردان، تا از آنها به سویت بازگردم همانطور که از آنها

دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا، مَصُونِ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعِ

به بارگاهت بار یافتم، با نگاهداری نهادم از نگاه به آنها و بر گرفتن

الهِمَّةِ عَنِ الإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي هَذَا

همتَم از اعتماد بر آنها، همانا تو بر هر چیز توانایی. خدایا این

ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ

خواری من است که در برابرت عیان است، و این حال من است که بر تو پوشیده نیست، از تو رسیدن

الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهِدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ،

به تو را می‌خواهم، و بر تو به تو استدلال می‌کنم، پس به نورت مرا به وجودت راهنمایی کن،

وَاقْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. إِلَهِي عَلِّمْنِي مِنْ

و در برابرت به صدق بندگی بر پا دار. خدایا از علم

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

عَلِمَكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ . اِلٰهِي حَقِّقْنِي

مخزونت به من بیاموز، و به پرده نگاهداریت حفظم کن. خدایا مرا به

بِحَقَائِقِ اَهْلِ الْقُرْبِ، وَاَسْأَلُكَ بِى مَسَلِكَ اَهْلِ الْمَجْدِ . اِلٰهِي

حقایق اهل قرب محقق کن، و به راه و روش اهل جذب ببر، خدایا

اَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِى عَنِ تَدْبِيرِى، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِى،

به تدبیرت نسبت به من مرا از تدبیرم، و به اختیارت از اختیارم بی نیاز گردان،

وَاَوْقِفْنِي عَلٰى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِى . اِلٰهِي اَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ

و مرا به مواضع بیچارگی ام آگاه کن، خدایا مرا از خواری نفسم

نَفْسِى، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّى وَشِرْكِى، قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِى، بِكَ

نجات ده، و از شک شرکم پاک کن و پیش از آنکه وارد قبر شوم، از تو

اَنْتَصِرُ فَاَنْصُرْنِي، وَوَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ فَلَا تَكْلِنِي، وَ اِيَّاكَ اَسْأَلُ

یاری می جویم، پس مرا یاری ده، و بر تو توکل می کنم، پس مرا وامگذار، و از تو درخواست می کنم،

فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ اَرْعَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِجَنَابِكَ اَنْتَسِبُ

پس ناامیدم مکن، و در فضل تو رغبت می نمایم، پس محرومم مگردان،

فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ اَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي . اِلٰهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ اَنْ

و خود را به تو منسوب می کنم، پس دورم مکن، و در آستانه تو می ایستم پس مرا، خدایا خشنودی تو منزّه است

يَكُونُ لَهُ، عَلَةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ، عَلَةٌ مِنْى؟! اِلٰهِي اَنْتَ

از اینکه علتی از جانب تو داشته باشی، پس چگونه ممکن است برای آن علتی از ناحیه من بوده باشد؟ خدایا تو

الْغَنِىُّ بِذَاتِكَ اَنْ يَصِلَ اِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ

بی نیازی از اینکه نفعی از جانب خویش به حضرتت رسد، پس چگونه بی نیاز

غَنِيًّا عَنى؟! اِلٰهِي اِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمْنِنِي، وَ اِنَّ الْهُوَى

از من نباشی؟ خدایا قضا و قدر مرا به آرزو انداخت، و هوای نفس مرا در

بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ اَسْرَنِي، فَكُنْ اَنْتَ النَّصِيرِ لِى، حَتَّى تَنْصُرْنِي

بندهای شهوت اسیر کرد، پس تو یاور من باش تا پیروزم نمایی

وَتُبَصِّرْنِي، وَ اَغْنِنِي بِفَضْلِكَ، حَتَّى اَسْتَغْنِي بِكَ عَنِ طَلْبِى؛

و بینایم کنی، و به فضل خود بی نیازم فرما، تا به وسیله تو از خواسته ام بی نیاز گردم،

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

أَنْتَ الَّذِي أَسْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ ، حَتَّى عَرَفُوكَ

تویی که انوار را در قلوب دوستانت تاباندی، تا تو را شناختند

وَوَحَّدُوكَ ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ ،

و یگانه‌ات دانستند، و تویی که بیگانگان را از قلوب عاشقانت راندی

حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَىٰ غَيْرِكَ ؛ أَنْتَ الْمُونِسُ

تا غیر تو را دوست نداشتند، و به غیر تو پناه نبردند، تو مونس

لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ

آنانی آنجا که عوالم آنان را به وحشت اندازد، تویی که آنان را هدایت نمودی، هر جا که

اسْتَبَّأْتَ لَهُمُ الْمَعَالِمَ ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ ؟ وَمَا الَّذِي فَقَدَ

نشانه‌هایی برای آنان آشکار شد، کسی که تو را گم کرده چه یافته؟ و چه گم کرده،

مَنْ وَجَدَكَ ؟ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا ، وَ لَقَدْ خَسِرَ

کسی که تو را یافته، همانا محروم شد کسی که به جای تو به دیگری راضی گشت، و زیانکار شد

مَنْ بَغِيَ عَنْكَ مُتَحَوِّلاً ، كَيْفَ يُرْجَىٰ سِوَاكَ ، وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ

کسی که از تو به دیگری روی آورد، چگونه به غیر تو امید بست، و حال آن که احسانت را

الْإِحْسَانَ؟! وَ كَيْفَ يُطَلَبُ مِنْ غَيْرِكَ ، وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ

بریده‌نساختی، و چگونه از غیر تو خواسته شود در صورتی که تو شیوه نعمت‌بخشی‌ات را تغییر

الْإِمْتِنَانِ؟! يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ ، فَقَامُوا بَيْنَ

نداده‌ای، ای که به عاشقانش شیرینی همدمی خود را چشاند، در نتیجه تملق‌گویانه در

يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَائِسَ هَيْبَتِهِ ، فَقَامُوا

برابرش ایستادند، ای که اولیایش را جامه‌های هیبت پوشاند، پس آمرزش‌جویانه

بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ ؛ أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ ، وَأَنْتَ

در مقابلش قرار گرفتند، تویی یاد کننده پیش از یاد کنندگان، و تویی

الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ

شروع کننده به احسان، پیش از توجه بندگان، و تویی جودکننده به عطا،

قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ، ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنْ

پیش از خواستن خواهندگان، و تویی بخشنده، و سپس آنچه را که به ما بخشیدی از ما

دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

المُسْتَقْرِضِينَ . إلهي أطلبني بِرَحْمَتِكَ، حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ،
به قرض خواهی. خدایا مرا به رحمتت بخواه تا به تو رسم،

وَاجْذِبْنِي بِمَيْتِكَ، حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ . إلهي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ
و مرا به عطایت جذب کن تا به جانب تو رو کنم. خدایا امیدم از تو قطع نشود،

عَنكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ،
گرچه نافرمانی ات کردم، چنان که ترسم از تو زایل نشود، گرچه اطاعتت نمودم،

فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ
همانا جهانیان مرا به جانب تو رانده اند، و دانشم به کرمت مرا به آستانه

عَلَيْكَ . إلهي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي؟! أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ
تو انداخته. خدایا من چگونه ناامید شوم و حال آنکه تو آرزوی منی، یا چگونه خوار گردم در صورتی که اعتمادم بر

مُتَّكِلِي؟! إلهي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَ فِي الدِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي؟! أَمْ كَيْفَ
توست. خدایا چگونه عزت خواهم، در حالی که در خواری ثابتم کرده ای، و چگونه

لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي؟! إلهي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي
عزت نخواهم با آن که به خود نسبتم داده ای؟ خدایا چگونه نیازمند نباشم، و حال آن که مرا در

الْفُقَرَاءِ أَقْتَنِي؟! أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ
نیازمندان نشاندی، یا چگونه نیازمند باشم در صورتی که تو به جودت

أَغْنَيْتَنِي؟! وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ
بی نیازم کرده ای، و تویی که معبودی جز تو نیست، خود را به هر چیز شناساندی،

فَمَا جَهْلَكَ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ، فَرَأَيْتُكَ
پس چیزی جاهل به تو نیست، و تویی که خود را در هر چیز به من شناساندی، پس تو را

ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ . يَا مَنْ اسْتَوَىٰ
در هر چیز نمایان دیدم، و تویی نمایان برای هر چیز، ای که به

بِرَحْمَانِيَّتِهِ، فَصَارَ العَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتِ الآثَارَ بِالآثَارِ،
رحمانیتش چیره شد، در نتیجه عرش در ذاتش پنهان شد، آثار را با آثار نابود کردی،

وَمَحَوْتَ الأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الأنوارِ؛ يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي
و اغیار را به احاطه کنندگان افلاک انوار محو نمودی، ای که در

اعمال و عرفه

سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ؛ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالٍ

سرپرده‌های عرشش پرده‌نشین از این شد که دیده‌ها او را در یابد، ای آن که به کمال زیبایی اش تجلی کرد،

بِهَائِهِ، فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءُ؛ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ

پس تحقق یافت عظمتش از روی استیلا و برتری، چگونه پنهان شوی و حال آن که

الظَّاهِرُ؟! أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ؟! إِنَّكَ عَلَى

نمایانی؟ یا چگونه غایب شوی و حال آن که دیده‌بانی و حاضری؟ همانا تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

هر چیز توانایی، و سپاس تنها از آن خداست، خدای یگانه.

به هر صورت هر که توفیق یابد و روز عرفه را در عرفات باشد، دعاها و اعمال بسیار دارد، و بهترین اعمال در این روز دعاست، و این روز شریف، در تمام روزهای سال به خاطر دعا امتیاز دارد، و برای برادران مؤمن از آنان که زنده‌اند یا دار فانی را وداع گفته‌اند دعای بسیار باید کرد، و روایت وارده در حال عبدالله بن جُنْدَب، در موقف عرفات و دعای او برای برادران خود مشهور است، و همچنین روایت زید نرسی، در حال ثِقَّة جلیل القدر، معاویة بن وهب در صحرای عرفات و دعای او درباره فرد فرد از اشخاصی که در آفاق بودند، و روایت او از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در فضیلت این عمل، شایسته ملاحظه و توجه است و امید واثق از برادران دینی، آنکه به این بزرگواران اقتدا کرده و اهل ایمان را در دعا بر خود مقدم دارند و این گنهکار روسیاه را یکی از آن

اعمال و عرفه

اشخاص به حساب آرند، و در حال حیات و مرگ از دعای خیر فراموش نفرمایند، و نیز در این روز زیارت جامعه سوم را قرائت کن [صفحه ۱۳۴۶]، و در آخر روز عرفه بخوان:

يَا رَبِّ إِنَّ ذُنُوبِي لَا تَضُرُّكَ، وَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِي لَا تَنْقُصُكَ،

پروردگارا، همانا گناهان من به تو زیانی نمی‌رساند، و آمرزشت بر من از تو نمی‌کاهد،

فَاعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، وَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ. و نیز بخوان:

پس ببخش به من آنچه نمی‌کاهدت و بیامرز برایم آنچه که زیانت نرساند،

اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَكَ، لِشَرِّ مَا عِنْدِي، فَإِنَّ أَنْتَ

خدایا محرومم مساز از خیر آنچه نزد توست، به خاطر شر آنچه پیش من است، پس اگر با

لَمْ تَرْحَمْنِي بِتَعَبِي وَنَصَبِي، فَلَا تَحْرِمْنِي أَجْرَ الْمُصَابِ عَلَيَّ

خستگی و واماندگی ام به من رحم نمی‌کنی، از پاداش مصیبت دیده بر مصیبتش

مُصِيبَتِهِ.

محرومم مکن.

مؤلف گوید: سید ابن طاووس، در ضمن دعا‌های روز عرفه فرموده: چون غروب آفتاب نزدیک شود بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» تا آخر، و این همان دعای عشرات است که پیش از این گذشت [صفحه ۱۷۷] پس سزاوار است خواندن دعای عشرات که خواندن آن در هر صبح و شام مستحب است، در آخر روز عرفه ترک نشود، و این اذکار عشراتی را که کفعمی نقل کرده، همان اذکار آخر دعای عشرات است که سید ابن طاووس روایت کرده.